# قتل کودک هنگام سگ‌کشی

**مردی که به اتهام قتل پسربچه ۹ ساله بازداشت‌شده مدعی است در حال تیراندازی به سمت سگ‌های ولگرد بوده که یکی از گلوله‌های شلیک شده به کودک رهگذر اصابت کرده و او را به کام مرگ کشانده‌است.**

سرهنگ حسین فاضلی، فرمانده انتظامی شهرستان دماوند گفت: دو روز قبل به مأموران پلیس آگاهی شهرستان دماوند خبر رسید پسربچه‌ای ۹ ساله با اصابت گلوله اسلحه شکاری هدف قرار گرفته و در راه انتقال به بیمارستان جان باخته‌است. تحقیقات بعدی پلیس نشان داد که حادثه در روستای جابان رقم خورده‌است که مأموران در محل حاضر شدند و در این‌باره تحقیق کردند.

بررسی‌های بیشتر نشان داد که طفل خردسال از ناحیه سینه هدف اصابت گلوله قرار گرفته و به علت شدت جراحت فوت شده‌است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، کارآگاهان پلیس در جریان تحقیقات میدانی متوجه شدند که صدای تیراندازی از باغی نزدیک محل حادثه به گوش رسیده‌است. پس از به دست آمدن این سرنخ بود که مأموران در محل حاضر شدند و مرد تیرانداز را بازداشت کردند. وی در بازجویی‌ها به شلیک مرگبار اعتراف کرد و گفت: من در حال کشتن سگ‌های ولگرد اطراف باغ و ویلایمان بودم که گلوله شلیک شده به طفل برخورد کرد و مرگ وی را رقم زد. متهم گفت بعد از حادثه اسلحه شکاری و هفت گلوله‌ای را که داشت، نزد یکی از دوستانم پنهان کردم. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت، مأموران در محل حاضر شدند و اسلحه شکاری را هم کشف کردند. سرهنگ فاضلی، فرمانده انتظامی دماوند گفت که تحقیقات بیشتر در این‌باره ادامه دارد.

# بازداشت سارقان منازل با شلیک گلوله

**چهار عضو یک شبکه سرقت که به خانه‌های مردم دستبرد می‌زدند با شلیک گلوله پلیس بازداشت شدند.**

به گزارش «جوان»، ساعت ۱۹ شامگاه ۲۴ خردادماه مأموران سرکلانتری چهارم هنگام گشت‌زنی در محله نارمک به یک خودروی تیبا سفیدرنگ که فاقد پلاک بود، مظنون شدند. همزمان راننده تیبا که از حضور پلیس با خبر شده‌بود با فشار روی پدال گاز از محل دور شد و عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد. مأموران پلیس سرانجام موفق شدند با شلیک گلوله خودرو را در خیابان سبلان متوقف و راننده و سرنشین را که دو مرد جوان بودند، بازداشت کردند.

مأموران پلیس همچنین در بازرسی از خودرو مقداری مخدر شیشه و کارت‌های شناسایی متعلق به افراد غیر کشف کردند. کیوان و ناصر دو متهم بازداشت شده به اداره پلیس منتقل و تحقیقات در این‌باره به جریان افتاد. بررسی اوراق شناسایی کشف شده در خودروی متهمان نشان داد که این اوراق به همراه مقداری لوازم دیگر از خانه‌ای در خیابان فرشته سرقت شده‌است.

کیوان و ناصر در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی از خانه شهروندان با همدستی دو نفر از دوستانشان اعتراف کردند. تحقیقات پلیس همچنین نشان داد که کیوان از مجرمان سابقه‌دار است که بارها به اتهام سرقت بازداشت و به زندان افتاده‌بود. با اطلاعاتی که کیوان در اختیار پلیس گذاشت دو عضو دیگر باند شناسایی و دستگیر شدند. سرهنگ مرتضی نثاری، رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی گفت اعضای باند در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی از منازل شهروندان اعتراف کردند. آنها گفتند که با تخریب در ساختمان وارد شده و مرتکب سرقت می‌شدند. وی گفت متهمان با تشکیل پرونده و به دستور قاضی روانه زندان شدند.

# ۲ کشته در تصادف بامدادی پایتخت

**تصادف دو خودروی سواری با کامیون در دو حادثه جداگانه در بامداد روز گذشته تهران به مرگ دو نفر منجر شد.**

به گزارش «جوان»، سرهنگ احسان مؤمنی، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور فاتب گفت: ساعت ۲:۳۳ روز گذشته مأموران پلیس راهور از حادثه رانندگی در شرق به غرب بزرگراه همت محدوده شیخ بهایی باخبر شده و بعد از حضور در محل متوجه شدند که خودروی سواری تیبا به علت عدم توجه به جلو با قسمت عقب یک دستگاه تریلر برخورد کرده که سرنشین تیبا که زنی ۷۰ ساله بود، جان باخته و راننده هم زخمی شده‌است که به بیمارستان منتقل شد.

سرهنگ مؤمنی در توضیح دومین حادثه هم اعلام کرد: ساعت ۵:۴۵ روز گذشته مأموران پلیس راهور تهران از حادثه رانندگی در غرب به شرق بزرگراه شهید بابایی محدوده شهرک شهید بهشتی باخبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که راننده خودروی سواری ال‌نود در تصادف با کامیون با عقب این خودرو به علت نبستن کمربند از خودرو به بیرون پرتاب شده و به علت اصابت سرش با گاردریل جان خود را از دست داده است.

سرهنگ مؤمنی علت حادثه را بی‌توجهی راننده کامیون به جلو اعلام کرد.

# قاتل در زندان کلاهبرداری پیامکی می‌کرد

**«شما برنده شده‌اید»، این پیامک کلاهبرداری بود که پسر جوانی از زندان به گوشی تلفن همراه شهروندان ارسال می‌کرد و به بهانه اینکه شما در برنامه رادیو و تلویزیون برنده شده‌اید، آنها را به دستگاه عابر بانک می‌کشاند و حساب‌شان را خالی می‌کرد. مرد کلاهبردار که به اتهام قتل در زندان به سر می‌برد پس از فاش شدن کلاهبرداری‌اش مدعی شد برای فراهم کردن دیه مقتول دست به فریبکاری زده است.**

به گزارش «جوان»، چندی قبل مأموران پلیس تهران با شکایت‌های مشابه روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت فردی با ارسال پیامک برنده شدن در برنامه‌های رادیو و تلویزیون شهروندان را به دستگاه عابربانک می‌کشاند و با ترفند خاصی موجودی حساب‌شان را خالی می‌کند. یکی از شاکیان گفت: در خانه نشسته بودم که پیامکی به گوشی تلفن همراهم ارسال شد که نوشته بود من برنده مبلغی پول شده‌ام. فرد ارسال‌کننده شماره تلفنی هم همراه پیامکی فرستاد که نوشته بود برای راهنمایی با آن شماره تماس بگیرم. وقتی تماس گرفتم، پشت تلفن مردی به من گفت که با کارت عابربانکم به باجه عابربانک مراجعه کنم و بعد با او تماس بگیرم. به هر حال به عابربانک رفتم و آن مرد گفت که زبان انگلیسی را انتخاب کنم و بعد از اینکه از من خواست چند دکمه را فشار دهم متوجه شدم، نه تنها پولی به حسابم واریز نشده، بلکه تمامی پول‌هایم از حسابم برداشت شده است. مأموران پلیس با بررسی شکایت‌های مطرح شده، دریافتند عامل ارسال پیامک مردی است که به اتهام قتل در زندانی در کرج حبس شده است.

### پیامک‌های کلاهبرداری قاتل

متهم پسر جوانی به نام ایرج بود که مدتی قبل در مغازه بازی‌های رایانه‌ای حوالی نواب پسر جوانی را به قتل رسانده بود. مأموران دریافتند متهم آن زمان همراه برادرش برای بازی رایانه‌ای به آن مغازه رفت و آمد داشته تا اینکه با پسر جوانی که او هم برای بازی به آنجا می‌آمده مشکل پیدا می‌کند و در نهایت درگیری او را به قتل می‌رساند که پس از دستگیری و اعتراف به قتل به دستور قاضی ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی راهی زندان رجایی‌شهر می‌شود.

به این ترتیب مأموران پلیس ایرج را از زندان برای بازجویی به اداره پلیس منتقل کردند. متهم در بازجویی‌ها با اعتراف به کلاهبرداری گفت: پس از اینکه به جرم قتل بازداشت و راهی زندان شدم، احتمال دادم که خانواده مقتول با گرفتن دیه رضایت بدهند. از آنجایی که پولی برای پرداخت دیه نداشتم، تصمیم گرفتم به این شیوه که از قبل با آن آشنایی داشتم از شهروندان کلاهبرداری و پول دیه را فراهم کنم.

وی در پایان گفت: من احتمال دادم اگر پول زیادی از این راه به دست بیاورم شاید بتوانم به زندگی دوباره امیدوار شوم.

تحقیقات از متهم ادامه دارد.

# درخواست اشد مجازات برای ربایندگان خواستگار سمج

**سماجت پسر جوان برای وصلت با دختری که از او جواب رد شنیده‌بود، سبب شد تا کتک مفصلی از اعضای خانواده دختر بخورد. روز گذشته جلسه رسیدگی به این پرونده در دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد.**

به گزارش «جوان»، سال گذشته مرد جوانی به نام امید با مراجعه به اداره پلیس از دو مرد جوان و دختر مورد علاقه‌اش به اتهام آدم‌ربایی شکایت کرد و گفت: «مدتی قبل با دختر جوانی به نام عسل آشنا شدم. به او علاقه‌مند شدم و قصد ازدواج داشتیم تا اینکه با خانواده‌ام صحبت کردم و به خواستگاری‌اش رفتیم. مادرم به خاطر اینکه با این ازدواج مخالف بود، در آن مراسم رفتار خوبی نکرد و حرف‌های نامربوطی زد. همین باعث شد از خانواده عسل جواب رد بشنوم. بعد از آن، چند بار تلاش کردم تا با عسل صحبت کنم تا شاید او را راضی کنم، اما موفق نشدم تا اینکه فهمیدم او با پسر دیگری به نام پیام نامزد کرده‌است.» شاکی ادامه داد: «من به عسل خیلی علاقه داشتم و امیدوار بودم بتوانم او را راضی کنم، به همین خاطر چند بار با او تماس گرفتم تا اینکه آخرین بار با هم قرار گذاشتیم. وقتی سر قرار رفتم، متوجه شدم او همراه برادر و نامزدش سر قرار آمده‌است. آنجا بود که آنها مرا به زور سوار ماشین کردند و به خانه‌شان بردند. آدم‌رباها مرا در آن محل به شدت کتک زدند، طوری که چند روز در بستر بیماری افتادم. از همه آنها به خاطر آدم‌ربایی و ضرب و جرح شکایت دارم.»

با طرح این شکایت، دختر جوان به همراه برادر و نامزدش بازداشت شدند. سه متهم تحت بازجویی قرار گرفتند. آنها در اظهاراتشان آدم‌ربایی را انکار اما به ضرب و جرح شاکی اقرار کردند.

پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه دوازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و اولین جلسه محاکمه به ریاست قاضی تولیت تشکیل شد. ابتدای جلسه، شاکی در جایگاه ایستاد و با طرح شکایت خود برای متهمان درخواست اشد مجازات کرد. سپس سه متهم که با قرار وثیقه آزاد بودند، یک به یک در جایگاه ایستادند و از خودشان دفاع کردند.

ابتدا دختر جوان به هیئت قضایی گفت: «با امید قصد ازدواج داشتم، اما مادر او مخالف بود، به همین خاطر در مراسم خواستگاری حرف‌هایی زد که مراسم به هم خورد. همانجا متوجه شدم ازدواج ما اشتباه است و با این مخالفت‌ها، خوشبخت نمی‌شویم. همین باعث شد با امید قطع رابطه کنم، اما او دست بردار نبود و هر بار برایم ایجاد مزاحمت می‌کرد.»

متهم ادامه داد: «مدتی گذشت تا اینکه پیام به خواستگاری‌ام آمد. به او جواب مثبت دادم و با هم نامزد کردیم. امید وقتی متوجه این موضوع شد، مزاحمت‌هایش را بیشتر کرد. وقتی برادرم و پیام متوجه موضوع شدند، از من خواستند با هم سر قرار برویم تا با او صحبت کنند. امید آن روز خودش به خانه ما آمد، اما وقتی با برادرم و پیام روبه‌رو شد، با آنها درگیر شد. آنها در آن درگیری همدیگر را به شدت کتک زدند و بعد از لحظاتی امید خانه ما را ترک کرد.» در ادامه دو متهم دیگر نیز با تأیید توضیحات دختر جوان، با انکار آدم‌ربایی از خودشان دفاع کردند.

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

# اجیر کردن سارق برای سرقت تریاک از خانه پدرزن

**سه سارق که متهم هستند برای سرقت محموله تریاک از خانه مرد سالخورده از سوی داماد وی اجیر شده بودند، بازداشت شدند.**

به گزارش جوان، روزهای پایانی خردادماه امسال بود که به مأموران پلیس تهران خبر رسید سه سارق به خانه ویلایی مرد ۷۰ ساله‌ای در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران دستبرد زده و ۲۰۰ میلیون تومان سرقت کرده‌اند.

شاکی گفت: امشب من و همسرم مهمان خانه دخترم بودیم که همسرم به تنهایی رفت و من در خانه ماندم. ساعتی قبل مشغول تماشای تلویزیون بودم که ناگهان سه مرد نقابدار وارد خانه شدند و مرا مورد ضرب و جرح قرار دادند. آنها دست و پایم را با طناب بستند و تهدید کردند که محل نگهداری پول و طلاهایم را به آنها نشان دهم که در نهایت مجبور شدم کلید گاوصندوق را به سارقان بدهم و آنها هم پس از سرقت ۲۰۰ میلیون تومان طلا و پول گریختند.

### ردپای داماد در سرقت

با طرح شکایت پرونده به دستور بازپرس در اختیار تیمی از کارآگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد سارقان بدون تخریب در وارد خانه شده‌اند و این فرضیه قوت گرفت که سارقان افراد آشنایی باشند. مأموران پلیس در بررسی‌های میدانی موفق شدند شماره پلاک خودرویی را که سارقان پس از سرقت سوار آن شده بودند و از محل گریخته بودند، به دست آورند. به این ترتیب کارآگاهان پلیس آگاهی صاحب خودرو را که مرد میانسالی به نام کامبیز بود، شناسایی و دستگیر کردند. کامبیز ابتدا در بازجویی‌ها منکر جرم خود شد، اما وقتی با مدارک و شواهد روبه‌رو شد به سرقت با همدستی دو نفر از دوستانش به نام فیروز و سیروس اعتراف کرد. او در بازجویی‌ها مدعی شد از سوی داماد خانواده برای سرقت ۳۰ کیلو طلا از خانه پدرزنش اجیر شده بود. پس از این اعتراف، مأموران دو همدست وی را بازداشت و آنها هم به جرم خود اقرار کردند، اما داماد خانواده که شهریار نام داشت مدعی شد که در سرقت دست نداشته است.

### گفت‌وگو با یکی از متهمان

**سابقه داری؟**

نه من تا الان هیچ سابقه‌ای نداشته‌ام.

**مدعی هستی که داماد شاکی شما را برای سرقت از خانه پدرزنش اجیر کرده، درست است؟**

بله، او ما را اجیر کرد.

**چطور با داماد شاکی آشنا شدی؟**

من و شهریار سال‌هاست با هم دوست صمیمی هستیم. هشت سال قبل در یک تور گردشگری در شمال ایران با هم آشنا شدیم و از آن زمان به بعد با هم رابطه دوستی داریم.

**چی شد که پیشنهاد سرقت از خانه پدرزنش را مطرح کرد؟**

یک ماه قبل در مهمانی با شهریار بودم که به من پیشنهاد سرقت از خانه پدرزنش را داد. واقعیتش این است که او گفت پدرزنش پولدار است و تریاک مصرف می‌کند و الان هم برای مصرفش ۳۰ کیلو تریاک در خانه‌اش دارد و از من خواست با دو نفر از دوستانم به خانه پدرزنش بروم و ۳۰ کیلو تریاک را سرقت و بعد هم بین خودمان تقسیم کنیم.

**اما به گفته شاکی شما ۲۰۰ میلیون تومان پول سرقت کردید؟**

او دروغ می‌گوید، وقتی وارد خانه‌اش شدیم، تهدیدش کردیم که محل نگهداری تریاک‌هایش را به ما نشان دهد، اما مقاومت کرد تا اینکه در نهایت نیم کیلو تریاک به ما داد، اما محل نگهداری بقیه تریاک را نگفت. به همین خاطر وقتی دیدیم در این سرقت چیزی گیرمان نیامده، کلید گاوصندوقش را گرفتیم، اما داخل گاوصندوق هم ۲ میلیون تومان پول بیشتر نبود که نفری ۶۰۰ هزار تومان گیرمان آمد.

**نیم کیلو تریاک سرقتی را چه کار کردید؟**

ما اگر همه تریاک‌ها را سرقت می‌کردیم تصمیم داشتیم بفروشیم، اما نیم کیلو را تقسیم بر چهار کردیم که من سهم خودم را به دوستان دیگرم که تریاک مصرف می‌کنند، دادم.

**چرا پیشنهاد سرقت را قبول کردی؟**

مشکل مالی داشتیم و به خاطر کسادی کسب و کار فکر می‌کردیم با سرقت ۳۰ کیلو تریاک پولدار می‌شویم، چراکه احتمال می‌دادیم شاکی شکایت نکند.

**به چه کاری مشغول بودی؟**

ما هر سه نفر در کار ساختمانی فعالیت می‌کنیم. من آبکاری استخر انجام می‌دهم و دو دوستم لوله‌کشی و دیگر کارها را انجام می‌دهند.

**کلید خانه را داماد خانواده به شما داده بود؟**

کلید نداشتیم، او از قبل نخی را به کشویی قفل بسته بود و سر آن را از سوراخی در کنار در به بیرون داده بود که ما هم با کشیدن نخ قفل را باز کردیم و وارد خانه شدیم.

# گم شدن سهای گردشگر در جنگل گلستان

**تلاش امدادگران و پلیس برای یافتن دختر گردشگر که از سه روز قبل در منطقه حفاظت شده جهان‌نمای شهرستان کردکوی ناپدید شده، همچنان در جریان است. رئیس پلیس آگاهی استان گلستان با رد فرضیه قتل یا ربوده شدن این گردشگر گفت که تلاش‌های گسترده در جنگل و کوهستان برای یافتن این گردشگر جریان دارد.**

به گزارش «جوان»، سیدرحیم میرکریمی، معاون امداد و نجات هلال احمر استان گلستان توضیح داد: ساعت ۱۱:۲۰ شنبه ۲۱ تیرماه به امدادگران هلال احمر خبر رسید، دختری گردشگر در منطقه حفاظت‌شده جهان‌نمای شهرستان کردکوی ناپدید شده است. همزمان با حضور امدادگران مشخص شد که دختری ۲۷ ساله به نام سها رضانژاد که همراه تیم ۲۴ نفره از استان تهران به این منطقه آمده بود ساعت هشت صبح چادر خود را ترک کرده و دیگر برنگشته است. همراهان سها پس از جست‌وجوی اولیه، وقتی از پیدا کردن او ناامید شده بودند پلیس و امدادگران را از ماجرا باخبر کرده بودند. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که تیم‌های گسترده امداد و نجات هلال احمر به همراه نیروهای نظامی و ارگان‌های دیگر وارد عمل شدند و به صورت زمینی و هوایی تجسس برای یافتن سها را شروع کردند، اما تلاش‌های امدادگران برای یافتن سها ثمری نداشته است. معاون امداد و نجات هلال احمر استان گلستان گفت: تلاش تیم‌های امداد برای یافتن این گردشگر همچنان در جریان است.

### تجسس‌های پلیس

سرهنگ مجتبی مروتی، رئیس پلیس آگاهی استان گلستان هم در توضیح بیشتر عنوان کرد: گروهی که سها با آن از تهران راهی منطقه گردشگری شهرستان کردکوی شده بود، گروه طبیعت‌گردی و کوهنوردی بود که با فراخوان سه نفر از اعضای اصلی گروه در فضای مجازی تشکیل شده بود و آنها به سمت ارتفاعات جهان‌نما حرکت کرده بودند. وی ادامه داد: تمام وسایل سها از جمله تلفن همراهش داخل چادر جا مانده است. بررسی‌ها نشان داده که سها با همان لباس‌های عادی که به این سفر آمده بود، ناپدید شده است. سرهنگ مروتی گفت که سه نفر از اعضای اصلی گروه در حال حاضر در اختیار پلیس آگاهی هستند و تحقیقات از این افراد انجام شده و تمامی گروه‌های امدادی از جمله پلیس، هلال احمر، محیط زیست، محیط‌بانان منابع طبیعی، گروه‌های مردمی، تیم‌های «آفرود» هیئت اتومبیلرانی و موتورسواری استان در حال جست‌وجوی برای یافتن سها هستند.

رئیس پلیس آگاهی استان گلستان با رد فرضیه قتل یا آدم‌ربایی گفت که تلاش‌ها برای یافتن این دختر همچنان در جریان است. وی گفت: دو فرضیه سقوط از ارتفاع یا گم شدن او در جنگل مطرح است و خانواده وی هم در محل حضور دارند و تلاش برای پیدا کردنش با تمامی توان و امکانات بکار گرفته شده ادامه دارد.

# مرد قهوه‌چی به قصاص محکوم شد

**مرد قهوه‌چی که به اتهام قتل شریک کاری‌اش بازداشت شده، محاکمه و به قصاص محکوم شد.**

به گزارش «جوان»، شهریور سال ۹۸ مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش از مرگ مشکوک مرد میانسالی در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. اولین بررسی‌ها نشان داد جسد متعلق به مرد میانسالی به نام رشید است که در جریان درگیری با شریک کاری‌اش معروف به عمویحیی در قهوه‌خانه معروفی در دربند بر اثر اصابت ضربه چاقو زخمی و پس از انتقال به بیمارستان به خاطر شدت خونریزی فوت کرده است.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران عامل قتل به نام عمویحیی ۵۰ ساله را در محل حادثه بازداشت کردند. مرد قهوه‌چی با اقرار به جرمش در شرح ماجرا گفت: «سال‌ها صاحب قهوه‌خانه‌ای در خیابان دربند بودم. آنجا پاتوق بسیاری از بازیگران و سلبریتی‌های معروف بود. به خاطر مشکلاتی که داشتم تصمیم گرفتم سرقفلی قهوه‌خانه را بفروشم. رشید شریک کاری‌ام بود، او وقتی از تصمیمم باخبر شد با پدرزنش صحبت کرد تا اینکه پدرزنش سرقفلی مغازه را برای دخترش که همسر رشید بود، خرید.»

متهم ادامه داد: «بعد از فروش سرقفلی از رشید خواستم همانجا مشغول به کار باشم. او هم قبول کرد تا اینکه بعد از مدتی متوجه شدم سرقفلی مغازه را خیلی ارزان فروخته‌ام، این شد که از رشید خواستم سرقفلی را برگرداند یا پول بیشتری بپردازد. او قبول کرد، اما هر بار که با هم صحبت می‌کردیم طفره می‌رفت.»

متهم در خصوص قتل گفت: «روز حادثه از رشید خواستم تا بار دیگر با هم صحبت کنیم. او به قهوه‌خانه آمد، اما وقتی سر حرف باز شد با لحن بدی صحبت کرد و گفت از تصمیمش منصرف شده است. با جوابی که از رشید شنیدم، عصبانی شدم و ناخواسته دست به چاقو بردم، سپس یک ضربه به رشید زدم. باور کنید قصد قتل نداشتم و خودم با اورژانس تماس گرفتم، حتی وقتی فهمیدم او فوت کرده، فرار نکردم و در همان قهوه‌خانه ماندم تا اینکه دستگیر شدم.» با اقرارهای متهم، وی روانه زندان شد و پرونده در اولین جلسه محاکمه روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت. ابتدای جلسه فرزندان مقتول درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و بعد از شرح ماجرا در آخرین دفاعش گفت: «در این مدت فکر می‌کردم رشید و خانواده‌اش سر مرا کلاه گذاشته‌اند، این شد که روز حادثه عصبانی شدم و به خاطر بیماری فشار خون بالا کنترلم را از دست دادم و دست به چاقو شدم، اما نمی‌دانم ضربه را چطور زدم که باعث قتل شد. در این سال‌ها با خانواده مقتول رفت و آمد داشتم و آنها خیلی به من محبت کردند. پشیمانم و درخواست گذشت دارم.» در پایان هیئت قضایی بعد از شور و با توجه به مدارک موجود در پرونده، مرد قهوه‌چی را به قصاص محکوم کردند.

**آگهی مفقودی**

سند فروش خودرو سواری پراید جی ال ایکس آی دو گانه سوز مدل ۱۳۸۷ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۷۳ - ۱۶۳ د ۷۱ و شماره موتور ۲۷۲۴۱۲۱ و شماره شاسی S141228894267 متعلق به خانم زهره سعیدیان فرزند غلامعباس با کدملی ۲۴۹۱۱۹۴۰۱۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. شیراز

**آگهی مفقودی**

برگ اعلام وضعیت (برگ سبز) خودرو سواری هاچ بک سایپا مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ایران ۱۵ - ۲۹۸ ی ۳۴ و شماره موتور ۸۲۶۳۶۶۴ و شماره شاسی NAS821100F1038903 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. تبریز